

عنوان مقاله:

آگاهی های فرا مفهومی ملک الشعرا بهار در حوزه عرفان و تصوف

محل انتشار:

همایش ملی ملک الشعراء بهار (سال: 1396)

تعداد صفحات اصل مقاله: 20

نویسنده:

ناصر جان نثاری - استاد یار دانشگاه فرهنگیان شهید باهنر اصفهان

خلاصه مقاله:

وقتی نام ملک الشعرا بهار مطرح می شود، هویت ملی، آزادی خواهی و فداکاری برای میهن، تداعی می کند. اما اوراق به هم فشردن سبک شناسی، تصحیح متون کهن به زبان فارسی و آثار منظوم این نابغه معاصر، از آگاهی های فرا مفهومی او به عرفان و تصوف حکایت می کند. مسلماً کسی که می خواهد به آگاهی فرامفهومی برسد باید در اقلیم مکاشفات و مشاهدات قرار گیرد. اما جای سوال است که آیا ملک الشعرا با همه دغدغه ها سیاسی و کارهای اجتماعی فرصت این را داشته تا از آگاهی های مفهومی عبور کند و به عالم فراتر از برهان های عقلی و امور عامه پسند دست یابد با نگاهی اجمالی به مجلدات سبک شناسی بخصوص جلد دوم که به امهات متون عرفانی اشاره می کند و به قضاید و تغزلات و مثنویات او که از جنس ماء معین گوارای جان است، آگاهی فرا مفهومی او به طریقت های اهل تصوف و عرفان آشکار می شود. وقتی می خواهد مبداء تصوف و کتب صوفیه را معرفی کند، تبحر و تسلط او به مبانی عرفان و نحله های تصوف مشخص می شود. متاخرین نیز همواره به گزارش های او استناد کرده اند. (بهار 1369 ج 2: 178-228) البته عرفان و تصوف ملک الشعرا تعدیلی است بین پارسایی زاهدانه و زندگی عملی و اجتماعی، که هر جا زمینه مناسبی پیدا کند به قلمرو مفاهیم عرفانی و سلوک دیندارانه می پردازد. تعبیراتی مثل تختگاه تجرد، سیرت ملکوتی، سلطان ملک فنا، منصور دار بقا، هوست هوایم، هفت اقلیم، فانی فی الله و... که در دیوان او تار و پود قضایدش را به هم گره زده است، دلالت به آگاهی فرا مفهومی او از عرفان و تصوف دارد. آگاهی او به متون کهن پارسی و پیوند آن با مضامین نو و وقایع روز که معاصرینش بدان نیاز دارند باید از او به عنوان شاعری که سه دوره ادبی بازگشت، تجدید نوگرایی را بررسی کرده و بدون سنت شکنی توانسته سبک جدیدی در شعر و نثر پدید آرد، یاد کرد. این مقاله می خواهد آگاهی های فرامفهومی ملک الشعرا بهار را به شیوه انعکاس متقاطع بررسی نماید.

کلمات کلیدی:

آگاهی فرامفهومی، اقلیم مکاشفات، عرفان و تصوف، معرفت شهودی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/868082>

